

اوکراین: عرصه تقابل غرب و روسیه

سعید وثوقی^۱

مصطفی خیری^۲

جدایی کریمه از اوکراین و الحاق دوباره آن به قلمرو فدراسیون روسیه نتیجه رقابت‌های سیاسی، نظامی و ژئوپلیتیک غرب و روسیه تحت رهبری پوتین است. روسیه در این تقابل به دنبال بسط هرچه بیشتر حوزه نفوذ خود در منطقه خارج نزدیک می‌باشد که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آن را از دست داده بود. بحران اوکراین موازنه قدرت را به نفع غرب تغییر داد و به تقویت اتحادیه اروپا و گسترش مرزهای ناتو منجر شد. در واقع، روسیه بازنده ژئوپلیتیک این بحران به شمار می‌رود زیرا بدون حضور اوکراین تلاش‌های روسیه برای احیای امپراطوری، فاقد نفوذ و تاثیر ژئوپلیتیک خواهد بود.

نوشتار حاضر با هدف بررسی عوامل موثر در جدایی کریمه از اوکراین و الحاق آن به روسیه به رشته تحریر در آمده است. در این میان سوالی که مطرح است این است که چه عواملی سبب شدند روسیه به کریمه تجاوز نموده و آن را ضمیمه خاک خود نماید؟ در پاسخ این فرضیه بررسی شده است که برداشت تهدیدآمیز روسیه از رفتارهای غرب دلیل اصلی الحاق کریمه است ولی ادعاهای فرهنگی و تاریخی روس‌ها نسبت به کریمه نیز در این مسئله نقش داشتند. در این مقاله تلاش شده است به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از نظریه موازنه تهدید استفن والت مسئله گسترش ناتو و اتحادیه اروپا در حوزه نفوذ سنتی روسیه یعنی اوکراین مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌گان کلیدی: روسیه، اوکراین، کریمه، ناتو، اتحادیه اروپا و اتحادیه اوراسیا.

^۱ . نویسنده مسول، استادیار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Email:svosoughi@ase.ui.ac.ir

^۲ . دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Email:khirimostafa@yahoo.com

مقدمه

از زمان استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ تا به امروز تحولات زیادی در این کشور روی داده است و اوکراین را به یکی از کانون‌های مهم بحران و اصطکاک منافع قدرت‌های بزرگ تبدیل نموده است. با توجه به جایگاه ژئوپلیتیک اوکراین متغیرهای نظام بین‌الملل از اهمیت خاصی در تبیین این تحولات و بحران‌ها برخوردارند. انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ اوکراین و سقوط حکومت منتخب در فوریه ۲۰۱۴ که روس‌ها از آن به عنوان کودتای غرب یاد می‌کنند را می‌توان دو تحول بنیادی نه تنها در اوکراین، بلکه در حوزه اوراسیا دانست. به دنبال سقوط ویکتور یانکوویچ^۱، رئیس‌جمهور روس‌گرای اوکراین در سال ۲۰۱۴ و به قدرت رسیدن دولت موقت طرفدار غرب و با حمایت‌های دولت‌های غربی در کی‌یف، روسیه با مداخله نظامی خود شبه جزیره کریمه را ضمیمه خاک خود نمود. نقض تمامیت ارضی اوکراین با واکنش غرب و تحریم روسیه از سوی دولت‌های غربی همراه بود و به نگرانی امنیتی کشورهای حوزه خارج نزدیک دامن زد. دانستن انگیزه کرملین در الحاق کریمه دارای اهمیت زیادی است زیرا این امکان را خواهد داد تا بدانیم آیا مسکو در آینده نیز به بهانه حمایت از روس‌زبان در رابطه با همسایگان خود به چنین اقدامی متوسل خواهد شد.

هرچند ملاحظات هویتی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در جهت‌گیری سیاست خارجی روسیه به‌خصوص در روابط بین مسکو-کی‌یف نقش مهمی داشتند، اما مسئله مهم‌تر رفع تهدید حضور غرب در مرزهای روسیه بود. استفن والت^۲ رفتار دولت‌ها را تحت تاثیر برداشت آنها از تهدید می‌داند و در این چارچوب مسکو رنگونی ویکتور یانکوویچ، رئیس‌جمهور طرفدار روسیه و به قدرت رسیدن حاکمیتی غرب‌گرا و روس‌ستیز در اوکراین را طرحی غربی برای کاهش قدرت و نفوذ روسیه در حوزه نفوذ سنتی کرملین می‌داند. روسیه بر این باور است، گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به شرق تاثیر مستقیمی بر کاهش اقتدار روسیه در نظام بین‌الملل دارد زیرا گسترش ناتو و اتحادیه اروپا معادل کاهش نفوذ روسیه در کشورهای است که به آن پیوسته‌اند. با شکست ویکتور یانکوویچ و حزب وی، روسیه موقعیت خود را در کریمه که محل استقرار ناوگان دریای سیاه می‌باشد در خطر می‌دید. توسعه نهادهای اروپایی و غربی در حوزه نفوذ سنتی روسیه با تلاش مرحله به مرحله روسیه برای

^۱.Victor Yanukovich

^۲.Stephan Walt

ایجاد اتحاد سیاسی، اقتصادی و ژئواستراتژیک در منطقه اوراسیا در دوران بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هم‌زمان می‌باشد. سازمان پیمان امنیت جمعی^۱ و اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۲ ابزاری برای رویارویی و تقابل روسیه با غرب می‌باشند و امروزه اوکراین عرصه این رویارویی می‌باشد. سخنان پوتین در جمع دیپلمات‌ها و سفرای روسیه بیان‌گر همین مطلب است، اوکراین میدان نبرد نظم نوین جهانی می‌باشد (Felgenhauer, 2014:25).

عکس‌العمل پوتین به سقوط ویکتور یانکوویچ، اشغال نظامی کریمه، شبه جزیره‌ای که می‌ترسید، پایگاه ناوگان دریایی ناتو شود تا این‌که اوکراین را وادار کند دست از تلاش‌های خود برای پیوستن به غرب بردارد. در این میان، سوال اصلی مقاله به عواملی اشاره می‌کند که سبب شدند روسیه کریمه را از اوکراین جدا کرده و ضمیمه خاک خود بنماید. در پاسخ به آن این فرضیه مطرح شده است که برداشت روسیه از رفتار غرب به عنوان تهدید سیاسی_امنیتی مهم‌ترین عامل در توضیح رفتار روسیه در انضمام کریمه است. در کنار آن می‌توان به نقش ملاحظات تاریخی و شکاف داخلی کریمه در این انضمام اشاره نمود. در واقع، ادعاهای تاریخی و فرهنگی روس‌ها نسبت به کریمه یکی از ابزارهای کرملین در توجیه اقدامات خود در داخل و خارج به شمار می‌رفت (Ambrosio, 2016:467). مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای نظریه موازنه تهدید^۳ والت به بررسی بحران اوکراین می‌پردازد.

چارچوب نظری

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا به قوی‌ترین دولت نظام بین‌الملل تبدیل شد. طبق نظریه موازنه قوا^۴ بایستی دیگر قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل در مقابل آن به موازنه قوا اقدام می‌نمودند، اما برخلاف تصور تمایلات جدی برای موازنه علیه قدرت هژمون از طرف دیگر قدرت‌های بزرگ مشاهده نگردید. بنابراین پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تبدیل آمریکا به قدرت هژمون این مفروض نظریه موازنه قوا که در نظام

¹. Collective Security Treaty Organization

². Eurasian Economic Union

³. Balance of Threat

⁴. Balance of Power

⁵. Hegemony

بین‌الملل اصل بر شکل‌گیری موازنه در برابر قدرت هژمون بالقوه است با تردید مواجه شد. عدم تحقق فرضیه موازنه علیه قدرت برتر در مورد آمریکا و در دوره پس از جنگ سرد، استفن والت را به سوی اصلاح نظریه موازنه قوا سوق داد. پرسش اساسی والت این بود که چرا پس از جنگ سرد موازنه علیه ایالات متحده آمریکا شکل نگرفته است؟ این پرسش نقطه تمرکز نظریه موازنه قوا را به سوی موازنه تهدید کشاند (Walt, 2005: 44). استفن والت به عنوان یکی از مهم‌ترین اندیشمندان واقع‌گرا با بازنگری نظریه موازنه قوا، نظریه موازنه تهدید را مطرح ساخت. از دید وی با نظریه موازنه تهدید می‌توان عدم شکل‌گیری موازنه و اتحاد قدرت‌های بزرگ علیه آمریکا را تبیین کرد. طبق فرضیه موازنه تهدید، موازنه‌سازی صرفاً در برابر قدرت برتر شکل نمی‌گیرد، بلکه آن قدرت باید تهدیدکننده نیز باشد. کشورها نه در برابر قدرت، بلکه در برابر کشورهایی موازنه ایجاد می‌کنند که برای آنها به شکل خاصی خطرناک جلوه می‌کنند (Walt, 1987: 21).

برای فهم میزان و درجه تهدید باید عواملی نظیر قدرت عمومی، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیات و رفتار تهدیدآمیز منشا تهدیدزا در نظر گرفته شوند. قدرت عمومی همان مجموع منابع کشور است. کشوری که منابع بیش‌تری داشته باشد، می‌تواند تهدید جدی‌تری از کشوری که منابع کم‌تری دارد، مطرح سازد. کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. ظرفیت تهدیدزایی با فاصله جغرافیایی نسبت معکوس دارد. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدیدکردن حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، کشورهایی که تجاوز پیشینه تصور شوند، احتمال بیش‌تری دارد که موجب ایجاد توازن شوند تا دولت‌های دیگر. مفاهیم دنباله‌روی و موازنه دو مفهوم کلیدی در این نظریه می‌باشند. دولت‌ها در مقابل تهدیدها یا اقدام به موازنه می‌کنند و یا دنباله‌روی از قدرت بزرگ را انتخاب می‌کنند. والت معتقد است، هرچه دولتی قوی‌تر باشد در مقابله با تهدیدها، بیشترگرایش به برقراری توازن و ائتلاف با دیگر دولت‌ها را خواهد داشت و در مقابل دولت‌های ضعیف‌تر بیشتر تمایل به دنباله‌روی دارند تا ائتلاف. از دید والت، موازنه تنها به معنی اتحاد با دیگر دولت‌ها و یا موازنه‌سازی درونی و تقویت مولفه‌های درونی قدرت از جمله تقویت توان نظامی نمی‌باشد، بلکه موازنه را می‌توان هر نوع استراتژی دولتی دانست که هدف آن کاهش تهدید از طریق تقویت وضعیت امنیتی دولت تهدید شده در ارتباط با متجاوز می‌باشد (Bock, 2013).

پیشینه تاریخی کریمه و ادعای ارضی روس‌ها

در سال ۱۷۸۳ شبه جزیره کریمه به عنوان مرکز خانات کریمه ضمیمه خاک روسیه گردید. تاتارها تشکیل دولت در قرون پانزدهم تا هیجدهم را دلیل بر این می‌دانند که آنها مردمان بومی کریمه بوده‌اند و کریمه سرزمین مادری آنها می‌باشد. روس‌ها معتقد هستند که کریمه متعلق به جهان روس می‌باشد و تاتارها این سرزمین را تصاحب نموده‌اند و صاحبان اصلی آن نمی‌باشند. اوکراینی‌ها نیز معتقد هستند که کریمه به لحاظ جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی بخشی از اوکراین به شمار می‌رود و به همین دلیل بعد از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ جامع جهانی و نیز روسیه تمامیت ارضی اوکراین را به رسمیت شناختند. موضوع تفاهم‌نامه ۱۹۹۴ بوداپست^۱ خلع سلاح هسته‌ای اوکراین و تضمین تمامیت ارضی اوکراین بود و در آن تفاهم‌نامه دولت‌های روسیه، بریتانیا و آمریکا حفظ تمامیت ارضی اوکراین را تضمین نمودند. در مقابل روس‌ها شبه جزیره را بخشی از روسیه می‌دانند که به وسیله دبیرکل حزب کمونیست و رهبر شوروی سابق یعنی خروشچف^۲ در سال ۱۹۵۴ به اوکراین ملحق گردید. درگیر شدن روس‌ها در کریمه و به خصوص در رابطه با مسئله استقلال کریمه نتیجه این برداشت روس‌ها است که کریمه بخشی تاریخی و جدا نشدنی روسیه است. ادعای تاریخی روس‌ها نسبت به کریمه در حدی است که پوتین ضمن تاکید بر اهمیت ژئواستراتژیک کریمه، آن را همچون اماکن مقدس مسلمانان و یهودیان برای دولت و ملت روسیه مقدس و دارای ارزش معنوی می‌داند (Bebler, 2015a: 45). به همین دلیل روس‌ها همواره به دنبال فرصتی برای الحاق کریمه به روسیه بودند. این برداشت حتی پا را از این فراتر گذاشته و مدعی است که استقلال اوکراین از روسیه موقتی است و در آینده احتمال ادغام این دو در یک دولت وجود دارد. در میان روس‌ها این نگاه کلیشه‌ای به اوکراین به عنوان بخشی از روسیه و منطقه نفوذ روسیه همچنان پابرجاست. به همین خاطر درست بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شاهد فشار فزاینده‌ای برای جدایی کریمه از اوکراین از سوی روس‌تبارها و احزاب طرفدار روسیه در سایه حمایت روسیه می‌باشیم. در سال ۱۹۹۶ سرگی کاراگانف^۳ ژئواستراتژیست معروف روسی، احتمال الحاق بخش‌هایی از اوکراین از

^۱.Budapest

^۲. Khrushchev

^۳.Sergei karaganov

جمله کریمه را به روسیه مطرح نمود. در سال ۱۹۹۵ دومای روسیه نیز بحث‌های مشابهی را مطرح کرده بود. در سال ۲۰۰۷ یولیا تیموشنکو^۱، نخست‌وزیر اوکراین در رابطه با ادعاهای ارضی و تلاش‌های روسیه برای بی‌ثبات کردن اوکراین و بخصوص کریمه به غرب هشدار داده بود (Bebler, 2015a: 39-40). بعد از اشغال نظامی کریمه توسط روس‌ها و در 18 مارس ۲۰۱۴ پوتین طی سخنرانی در دومای فدراسیون روسیه با اعلام رسمی الحاق کریمه به فدراسیون روسیه اظهار داشت این اقدام یک بی‌عدالتی تاریخی را جبران خواهد کرد که 60 سال پیش توسط اتحاد جماهیر شوروی و با واگذاری شبه جزیره کریمه به قلمرو اوکراین روی داده بود.

موقعیت جغرافیایی استراتژیک کریمه

در دوران جنگ سرد معیارها و شاخص‌های نظامی در تعیین مناطق جغرافیایی استراتژیک نقش محوری داشتند. ولی امروزه نقاط استراتژیک و قلمروهای ژئواستراتژیک براساس ملاحظات نظامی و اقتصادی تعیین می‌شوند. کریمه به‌عنوان جنوبی‌ترین نقطه جغرافیایی اوکراین هر دو معیار نظامی و اقتصادی را دارا می‌باشد. به خاطر موقعیت جغرافیایی استراتژیک کریمه حاکمیت بر شبه جزیره می‌تواند، سلطه روسیه و یا اوکراین را بر دریای سیاه را تسهیل نماید. کریمه، محل استقرار ناوگان دریای سیاه روسیه می‌باشد که در بندر سواستوپل^۲ مستقر است. بعد از استقلال اوکراین روسیه از پذیرش سواستوپل به‌عنوان بخشی از اوکراین به خاطر استقرار ناوگان دریای سیاه روسیه در آنجا خودداری نمود. روس‌ها از دست رفتن بندر سواستوپل را به معنی نابودی ناوگان دریای سیاه روسیه می‌دانند. در دکتین نظامی روسیه، تقویت توان نیروی دریایی این کشور از اهمیت حیاتی برخوردار می‌باشد. در اسناد استراتژیک مربوط به نیروی دریایی روسیه، معروف به دکتین دریایی ۲۰۲۰، بر تبدیل شدن روسیه به یکی از بزرگترین نیروهای دریایی جهان به علت موقعیت ژئوپلیتیک خاص روسیه و دسترسی آن به سه اقیانوس تاکید شده است.

¹. Yuliya Tymoshenko

². Sevastopol

به لحاظ اقتصادی نیز شبه جزیره کریمه دارای اهمیت حیاتی می‌باشد. این منطقه در حدفاصل دریای سیاه و آزوف^۱ واقع شده است و یکی از مسیرهای اصلی حمل و نقل روسیه و اوکراین با کشورهای شرق اروپا و خاورمیانه می‌باشد. علاوه بر نقش ارتباطی این شبه جزیره غنی از منابع زیرزمینی نیز می‌باشد و به لحاظ شرایط آب و هوایی و طبیعت بی نظیر یکی از مقصدهای اصلی گردشگران خارجی می‌باشد. کنترل شبه جزیره توسط هر یک از طرفین منازعه یعنی روسیه و یا اوکراین می‌تواند منافع زیر را داشته باشد؛ کسب پتانسیل کنترل بر دریای سیاه، بهره‌برداری قانونی از منابع نفت و گاز بستر دریای سیاه و کنترل بر کریدور جنوب (Moravcsik, 2016:6). این کریدور برای عرضه منابع گازی روسیه به بازارهای جهانی طراحی شده و از قلمرو شبه جزیره کریمه عبور می‌کند.

بافت جمعیتی و تمایلات جدایی‌طلبی در کریمه

مردم قسمت غربی اوکراین دارای گرایش‌های ضدروسی، ملی‌گرایی اوکراینی و فرهنگ غربی می‌باشند و در مقابل، ساکنان قسمت شرق و جنوب اوکراین از جمله کریمه از نژاد روسی و طرفدار حاکمیت زبان روسی در این مناطق هستند (Woehrel, 2014:9). متأثر از همین شکاف، همیشه یک بحث مهم در داخل اوکراین در مورد این‌که جهت سیاست خارجی این کشور باید به کدام سمت و سو باشد، وجود داشته است. مردم شرق و جنوب نظیر کریمه بیش‌تر طرفدار گسترش روابط و اتحاد با روسیه بوده‌اند و در مقابل ساکنین غرب اوکراین به شدت تمایل به پیوستن به اتحادیه اروپا را دارند (Fisher, 2014).

روس‌ها که اکثریت جمعیت کریمه را تشکیل می‌دهند، اوکراین را سرزمین مادری خود به حساب نمی‌آورند. در دوره اصلاحات گورباچف^۲ جنبش‌های متعددی در کریمه همچون کمونیست‌ها یا طرفداران روسیه به وجود آمدند که بعدها به احزاب سیاسی تبدیل شدند. در ۲۳ اگوست ۱۹۹۱ هم‌زمان با بیانیه استقلال اوکراین بحث‌های سیاسی در رابطه با وضعیت و هویت قومی آن شدت گرفت. به طوری‌که درست یک روز بعد یوری مشکف^۳ و دیگر فعالان سیاسی هم‌فکر با وی جنبش جمهوری کریمه را برای حمایت از منافع روس-

^۱. Azov

^۲. Gorbachev

^۳. Yuriy Meshkov

تباران و مخالفت با انضمام کریمه به اوکراین آغاز کردند. در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ در فرماندوم مرتبط با استقلال اوکراین که هم‌زمان با سراسر اوکراین در کریمه نیز برگزار شد، تنها ۵۵ درصد از مردم کریمه به استقلال اوکراین رای مثبت دادند که بسیار کمتر از متوسط ۹۱ درصد کل اوکراین بود (Katchanovsky, 2015: 82). جنبش جدایی‌طلبی طرفدار روسیه در سال‌های اول استقلال اوکراین رشد زیادی نمود به طوری که در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۴ حزب بلوک روسیه که خواهان جدایی و انضمام کریمه به روسیه بود توانست در کریمه ۶۷ درصد آرا را به دست آورد (Katchanovsky, 2015: 82).

بررسی‌های مرکز رازموکف^۱ در سال ۲۰۰۸ میلادی نشان می‌دهد که در حدود ۷۳ درصد مردم کریمه موافق جدایی کریمه از اوکراین و الحاق آن به روسیه بودند. در این بررسی ۷۵/۹ درصد روس‌ها، ۵۵/۲ درصد اوکراینی‌ها و ۱۳/۸ درصد تاتارها خواهان جدایی کریمه از اوکراین و الحاق آن به فدراسیون روسیه بودند (RazmukovCenter, 2008: 16).

از سال ۱۹۹۵ به بعد بنا به دلایلی فشارهای تجزیه‌طلبانه روس‌تبارها بر دولت اوکراین و شبه جزیره کاهش می‌یابد. با توجه به نقش تحریکات روسیه به عنوان عنصر اصلی تجزیه‌طلبی در شبه جزیره یکی از دلایل عمده آن درگیر شدن روسیه در مسائل برون‌مرزی به خصوص مسئله جدایی‌طلبی در چین بود. دلیل دیگر را می‌توان به پیروزی یلتسین^۲ در برابر رهبر حزب کمونیست یعنی گنادی زیگانف^۳ که تجزیه‌طلبان امید زیادی به پیروزی وی داشتند نسبت داد. در دوره زمامداری پوتین نیز اندیشمندان حوزه خارج نزدیک مفاهیمی نظیر "ملت روس تقسیم شده"^۴ یا "دنیای روسی"^۵ را مطرح ساختند. در جریان بحران اوکراین در کنار احساس تعلق روس‌های ساکن کریمه به روسیه، ایده "روس‌ها ملتی تقسیم شده" بستر و توجیه لازم برای انضمام کریمه در روسیه را فراهم نمود (De Maio, 2016: 4).

^۱. Razmukov

^۲. Boris Yeltsin

^۳. Gennady Zyuganov

^۴. A Divided Russian People

^۵. Russian World

قحطی اوکراین در دوران جنگ جهانی دوم

قحطی بزرگ اوکراین در فاصله زمانی آوریل ۱۹۳۲ تا نوامبر ۱۹۳۳ را می‌توان، یکی از زمینه‌های نارضایتی اوکراین از فدراسیون روسیه و افتراق بین دو کشور دانست. برخی از مردم اوکراین بر این باور هستند، مقامات کرملین در جریان جنگ جهانی دوم به طور عمد انبار غله اوکراین را تخلیه نموده و موجب قحطی و مرگ میلیون‌ها نفر از مردم اوکراین شدند. از دید آنها هدف کرملین از ایجاد قحطی بزرگ اوکراین سرکوب جنبش میهن پرستانه مردم اوکراین بود. در نوامبر ۲۰۰۸ در هفتاد و پنجمین سالگرد قحطی مذکور، مراسم ویژه‌ای در سرتاسر اوکراین برگزار شد. طی این مراسم ویکتور یوشچنکو^۱، رئیس‌جمهور وقت اوکراین در کی‌یف از دیگر کشورهای جهان خواست تا این واقعه را به عنوان قتل عام به رسمیت بشناسند. تاکنون مجالس برخی از کشورها مانند استرالیا، گرجستان، استونی، اکوادور، کانادا، لیتوانی، پاراگوئه، پرو، لهستان، آمریکا و مجارستان اقدام به قتل عام مردم اوکراین از طریق قحطی را به رسمیت شناخته‌اند (Antonovych, 2015:165).

تداوم حضور ناوگان دریایی سیاه روسیه

یکی دیگر از زمینه‌های اصلی نارضایتی اوکراین از روسیه تداوم حضور ناوگان دریایی سیاه روسیه و پایگاه آن در بندر سواستوپل می‌باشد. در دکتترین دریایی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه بر اهمیت بندر سواستوپل به عنوان مهم‌ترین و تنها بندر آب گرم روسیه تاکید شده است. سواستوپل امکان دسترسی سریع مسکو به مدیترانه شرقی، بالکان و خاورمیانه را فراهم می‌کند. در سال ۲۰۱۰ و پس از چندین سال مذاکره، اوکراین موافقت کرد که در ازای دریافت تخفیف ۳۰ درصدی خرید گاز از روسیه، مدت اجاره پایگاه دریایی روسیه در کریمه را تا سال ۲۰۴۲ تمدید کند. این پایگاه یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های دریایی جهان می‌باشد و به همین دلیل روسیه حاضر نیست به راحتی آن را از دست بدهد. الکساندر فدوتنکوف^۲، معاون ناوگان دریایی سیاه روسیه در ۱۱ می ۲۰۱۳ اعلام کرده بود، بعد از اتمام زمان قرارداد

^۱ . Viktor Yanukovich

^۲ .Alexander Fedotenkov

خارکف^۱ روسیه بندر سواستوپل را تخلیه نخواهد کرد. به علت حضور مستمر ناوگان دریایی روسیه در سواستوپل وضعیت کریمه به موضوع مورد مناقشه روسیه و اوکراین تبدیل شده بود (Yesilot, 2014:174).

گسترش ناتو، ریشه بحران اوکراین

خط مشی سیاست خارجی آمریکا مهار روسیه از طریق عضویت کشورهای شرق اروپا و جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی در ناتو می‌باشد. جمهوری‌های تازه استقلال یافته نیز به دنبال چتر امنیتی جدیدی هستند که آن هم ناتو می‌باشد. در مقابل روس‌ها نمی‌توانند، تحمل کنند که ناتو ماموریت جدیدی در حوزه نفوذ شوروی سابق داشته باشد. نگرانی روسیه از گسترش مرزهای ناتو و در نتیجه، مخالفت آن با این امر از آنجا ناشی می‌شود که روسیه در ساختار جدید امنیتی اروپا در حاشیه قرار می‌گیرد و منزوی می‌شود. رهبران روسیه بر مسئله بازیافت قدرت و نفوذ روسیه در عرصه جهانی و به خصوص کسب نفوذ انحصاری در منطقه خارج نزدیک متمرکز می‌باشند. در نظر رهبران کرملین غرب و به خصوص آمریکا نیروهایی تجاوزگر و متکبر هستند که در صدد سلطه بر جهان به بهای منزوی کردن و به حاشیه راندن دیگران می‌باشند (Conell, 2016:100). روسیه کشورهای اروپای شرقی را خارج دور و جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی را خارج نزدیک قلمداد می‌کند در این بین کشورهای خارج نزدیک برای روسیه از اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک برخوردار می‌باشند. علت اصلی نیز آن است که کشورهای به اصطلاح خارج نزدیک در برابر گسترش ناتو به عنوان مناطق حائل روسیه به شمار می‌آیند. در سال ۱۹۹۹ و در جریان جنگ کوزوو امتناع آمریکا و ناتو از توجه به نگرانی‌های روسیه در حمله به صربستان که متحد سنتی روسیه به شمار می‌رفت، باعث جهت‌گیری‌های ضد ناتویی روسیه تحت رهبری پوتین گردید. تمایل اوکراین برای پیوستن به ناتو که زمانی رقیب ایدئولوژیک و نظامی آن به حساب می‌آمد، زنگ‌های خطر را در روسیه به صدا درآورد. در کرملین حساسیت خاصی نسبت به اوکراین وجود دارد و این حساسیت با تلاش رهبران غرب‌گرای کی‌یف برای ورود به منظومه نظامی و اقتصادی غرب سیر صعودی به خود گرفته است (دهشیار، ۱۳۹۳: ۹۳).

^۱. Kharkiv

روابط نهادمند اوکراین با ناتو از سال ۱۹۹۷ شروع گردید و در سال ۲۰۰۲ اوکراین اعلام کرد، درخواست عضویت در ناتو را دارد. تمایل ناتو برای پذیرش عضویت گرجستان و اوکراین در نشست بوداپست و در آوریل ۲۰۰۸ باعث تنش در روابط روسیه و ناتو گردید و در آن نشست بود که پوتین تمامیت ارضی اوکراین را تهدید نمود. پوتین ادعا نمود که اوکراین یک وجودی مصنوعی است و کریمه به سادگی و تنها با تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست به اوکراین داده شده است و ۹۰ درصد مردم کریمه روس هستند و ۱۷ درصد از جمعیت ۴۵ میلیونی اوکراین را روس‌ها تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۰۸ روسیه تهدید کرد که در مقابل گسترش ناتو به منطقه دریای سیاه و قفقاز به اقدامات پیشگیرانه اقدام خواهد نمود. روسیه گسترش ناتو به شرق را به عنوان تهدیدی مستقیم بر امنیت و سیاست خارجی خود می‌داند. حضور ناتو در سرزمین‌های تاریخی و در مرزهای روسیه برای پوتین و دیگر مقامات کرملین غیر قابل پذیرش بود (Bebler, 2015a: 49). پوتین از قبل اعلام کرده بود که الحاق اوکراین به ناتو با مخالفت جدی روسیه مواجه خواهد شد (Smith & Mills, 2014). پوتین به اوکراین هشدار داده بود در صورت پیوستن این کشور به ناتو و استقرار پایگاه‌های این پیمان در خاک اوکراین، روسیه به ناچار و برای حفظ امنیت خود این پایگاه‌ها را هدفگیری خواهد کرد (زیباکلام و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۸). حکومت برآمده از جنبش یورو میدان^۱ با وجود تهدیدهای روسیه قصد داشت، روابط خود را با اتحادیه اروپا و ناتو توسعه دهد. به دنبال آن مقام‌های نظامی روسی اعلام کردند، قصد انجام تمرین‌های هسته‌ای دارند و این تمرین‌ها از قبل برنامه‌ریزی شده هستند (NTI, 2014). پوتین تاکید داشت، "دولت‌های غربی در تلاش هستند، ما را به حاشیه برانند؛ زیرا ما سیاست مستقلی داریم... در رابطه با اوکراین شرکای غربی ما از خط عبور کردند" (Tsygankov, 2015: 278). بحران اخیرا اوکراین موقعیت روسیه را در خارج نزدیک با چالش جدی مواجه ساخت. از دید میر شایمر^۲، ریشه بحران اوکراین و مسئله انضمام کریمه در گسترش ناتو است. حرکت اوکراین به سمت ناتو اقدامی جدی برای خروج اوکراین از مدار روسیه و الحاق آن به غرب به شمار می‌رفت و این اقدام اوکراین برای روسیه غیرقابل پذیرش بود (Mearsheimer, 2014: 10). میر شایمر معتقد است، غرب با جذب اوکراین در اردوگاه خود دچار اشتباه بزرگی شده است. بی‌ثباتی بیش‌تر

^۱. Euro-maidan

^۲. Mearsheimer

در اوکراین می‌تواند به درگیری‌های منطقه‌ای وسیع‌تر منجر شود آن هم در زمانی که علائمی از رقابت نظامی روسیه و ناتو در مسائلی همچون موشک‌های میان‌برد و سلاح‌های هسته‌ای استراتژیک و تاکتیکی وجود دارد (Davis, 2014:3). استفن والت نیز در رابطه با این بحران با میرشایمر هم عقیده می‌باشد. والت، بحران اوکراین را نتیجه اقدامات تهاجمی غرب علیه روسیه و برداشت‌های تهدیدآمیز روسیه از رفتارهای غرب می‌داند. "روسیه بیش از ۲۰ سال اخیر را به مشاهده گسترش ناتو به شرق و استقرار سیستم دفاع موشکی بالستیک از سوی آمریکا و متحدان اروپایی بدون توجه کامل به شکایات و منافع روسیه... سپری کرد، اما هر اندیشمند واقع‌گرایی می‌تواند به شما بگوید که روسیه این تحولات را به عنوان چالش امنیتی درازمدت می‌بیند" (Walt, 2014). وی در رابطه با رفتار کرملین در الحاق شبه جزیره کریمه به قلمرو فدراسیون می‌گوید، "ولادیمیر پوتین ممکن است، سنگ بزرگی برداشته باشد، اما قدرت‌های بزرگ معمولاً هنگامی که امنیت آنها در خطر باشد به هر اقدامی متوسل می‌شوند" (Walt, 2014). تلاش غرب و در راس آن آمریکا برای در جبهه قرار دادن روسیه، کرملین را در مسیری قرار داد که نقض حاکمیت اوکراین را منطقی‌ترین سیاست برای امنیت خود بداند. تصمیم اوکراین برای عضویت در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، سازمانی که در سال ۱۹۴۷ برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمد، عاملی تعیین کننده در رابطه با افزایش گروه‌های تجزیه‌طلب طرفدار روسیه به شمار می‌رفت کرملین با تصرف کریمه خواست از دو تهدید جلوگیری کند. یکی ممانعت از عضویت اوکراین در ناتو و دیگری جلوگیری از تخلیه ناوگان دریای سیاه روسیه در کریمه بود (Treisman, 2016). واکنش روسیه به تحولات اوکراین به صورت انضمام کریمه و حمایت از روس‌تباران شرق اوکراین سوالاتی را به وجود آورده است. از جمله این که آیا در آینده روسیه در دیگر کشورهای اتحاد جماهیر شوروی به حمایت از روس‌تباران ادامه خواهد (Marcel H. Van Herpen, :127) 2014؟

گسترش اتحادیه اروپا به مرزهای روسیه و سوظن روس‌ها

در اتحادیه اروپا دو رویکرد متفاوت در رابطه با روسیه وجود دارد. گروهی از کشورها طرفدار به کارگیری سیاست نرم در قبال روسیه هستند. این کشورها بر اولویت همکاری اقتصادی با روسیه به امید تغییرات درونی در این کشور تاکید دارند. در مقابل گروهی دیگر

روسیه را هنوز هم تهدیدی برای خود می‌دانند. به باور آنها توسعه طلبی روسیه را باید از راه مهار نرم این کشور همچون اخراج روسیه از گروه هشت، گسترش ناتو و اتحادیه اروپا، حمایت از رژیم‌های ضدروس در منطقه محدود کرد. این گروه به دلیل پیشینه تاریخی و نارضایتی از اقدامات اتحاد جماهیر شوروی و همچنین نزدیکی سیاست‌های این کشورها با آمریکا مخالف همکاری و شراکت با روسیه بوده و خواهان گسترش ناتو یا اتحادیه اروپا به حوزه نفوذ روسیه می‌باشند.

اگرچه برخورد روسیه در رابطه با مسئله گسترش اتحادیه اروپا در مقایسه با رفتار این کشور در برابر گسترش ناتو مناسب‌تر بود، اما پیوستن دولت‌های اروپای مرکزی در اتحادیه اروپا با سوءظن و تردید مقام‌های روس همراه بوده و همین امر موجب پیچیده‌تر شدن روابط روسیه و اتحادیه اروپا شده است. بی شک این سوءظن و تردید در مورد عضویت کشورهای مشترک المنافع که روس‌ها آنها را خارج نزدیک خود قلمداد می‌کنند، بیش‌تر خواهد بود (Antonenco, 2010:114). "از دیدگاه روسیه، گسترش اتحادیه اروپا مقدمه گسترش ناتو است. سرگئی لاوروف، حتی پیش از سرنگونی یانکوویچ، اتحادیه اروپا را به تلاش برای ایجاد حوزه نفوذ در اروپای شرقی متهم کرد" (دهقانی فیروز آبادی و مرادی، ۱۳۹۵: ۴۶). وقتی اتحادیه اروپا برنامه مشارکت شرقی را آغاز نمود، روسیه آن را تهدیدی بر منافع خود در حوزه نفوذ سنتی قلمداد نمود. در مقابل آن سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه می‌پرسد، "اگر هدف برنامه مشارکت شرقی گسترش حوزه نفوذ اتحادیه اروپا نیست پس چیست؟" (Cornell, 2016:100). گسترش ناتو به شرق و عضویت کشورهای حوزه خارج دور و نزدیک در اتحادیه اروپا با در نظر نگرفتن روسیه در عمل به افزایش استعداد انزوای سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشور در اروپا منجر شد و واقعیت محاصره روسیه را متجلی ساخت (Girgin, 2016: 23). روسیه گسترش نهادهای غربی همچون اتحادیه اروپا را به سمت مرزهای خود، مانعی بر سر راه اعاده نفوذ خود بر منطقه اوراسیا می‌داند. اتحادیه گمرکی اوراسیا و سازمان پیمان امنیت جمعی دو ستون عمده در گسترش حوزه نفوذ روسیه است و در واقع، می‌توان آن دو را به نوعی بدیل‌های اتحادیه اروپا و ناتو دانست. تشکیل اتحادیه اوراسیا می‌تواند موجب اعاده نفوذ روسیه در منطقه اوراسیا - به بهای تضعیف موقعیت اتحادیه اروپا- شود. هدف اصلی کرملین، ایجاد هم‌گرایی از طریق شکل‌گیری وابستگی سیاسی و اقتصادی در منطقه اوراسیا می‌باشد. بنابراین کرملین ادغام

مجدد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی را در دستورکار قرار داده است. پوتین از این سیاست تحت عنوان قلب سیاست خارجی روسیه نام می‌برد (علی حسینی و آئینه‌وند، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

تداوم نفوذ غرب و آمریکا در اوکراین تهدیدی جدی برای امنیت روسیه است. انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ اوکراین جلوهایی از تقابل منافع روسیه و غرب و در راس آن آمریکا را به نمایش گذاشت. روسیه همواره سعی کرده است از طریق مجازات‌های اقتصادی و اقدامات تهدیدآمیز، دولت اوکراین را به تغییر سیاست‌های نزدیکی به غرب وادار نماید. بعد از به قدرت رسیدن ویکتور یانکوویچ در سال ۲۰۱۰ کرملین تلاش کرد با استفاده از فرصت به دست آمده اوکراین را در حوزه نفوذ خود ادغام نماید و در سال ۲۰۱۱ از اوکراین رسماً دعوت نمود که به عضویت اتحادیه گمرکی اوراسیا درآید. این اتحادیه در سال ۲۰۱۰ با حضور روسیه، بلاروس و قزاقستان اعلام موجودیت نموده بود و طرحی اساسی در ادغام مجدد جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی به شمار می‌رفت (Dragneva, & Wolczuk, 2016:690) در واقع با بهبود اقتصاد روسیه و با به قدرت رسیدن پوتین کرملین تلاش نمود تا جماهیر جدا شده را در حوزه نفوذ خود ادغام نماید و طرح اتحاد اوراسیایی تظاهر بیرونی این سیاست به شمار می‌رفت (Menkiszak, 2016:2). البته فشارهای پوتین باعث شد تا ویکتور یانکوویچ، توافق‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا را-که مسیر الحاق نهایی اوکراین در اتحادیه اروپا را هموار می‌کرد- به تعلیق در آورد. این تعلیق جنبشی غرب‌گرا و ضدروس را به راه انداخت که باعث فرار یانکوویچ به روسیه گردید. مسیری که جنبش یورو میدان و دولت موقت برای اوکراین ترسیم کرده بود در نهایت به ناتو و اتحادیه اروپا ختم می‌شد. استراتژی پوتین جلوگیری از رسیدن اتحادیه اروپا به مرزهای غربی روسیه بود، البته با استفاده از اهرم‌های اقتصادی، متزلزل ساختن حکومت موقت طرفدار غرب در کی‌یف با تحریک روس‌زبانان در مناطق شرقی اوکراین برای درخواست رفراندوم و استفاده از ظرفیت‌ها و نیروهای نظامی روسیه در منطقه کریمه (دهشمار، ۱۳۹۳: ۱۹۳). اوکراین به عنوان بزرگترین جمهوری اتحاد جماهیر شوروی پس از روسیه، چالش برانگیزترین کشور برای استراتژی روسیه مبنی بر احیا مجدد اتحاد جماهیر شوروی تحت رهبری کرملین است. مقام‌های کرملین همواره تلاش کرده‌اند تا اوکراین به جای پیوستن به اتحادیه اروپا به عضویت اتحادیه گمرکی اوراسیا درآید. به خاطر اهمیت سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و استراتژیک اوکراین و همچنین پیوندهای تاریخی و

فرهنگی آن با روسیه ادغام کی‌یف در طرح‌های پیشنهادی کرملین از جمله اتحادیه اوراسیایی هدف اولیه کرملین به شمار می‌رفت (Menkiszak, 2016:3). با نبود اوکراین پوتین رویاهای خود برای بنای دوباره روسیه بزرگ‌تر بر باد رفته خواهد دید. اوکراین با ارزش‌ترین عامل در تحقق رویای پوتین است. مشارکت اوکراین برای طرح اوراسیا اهمیت حیاتی داشت (Dragneva, & Wolczuk, 2016: 690) نپیوستن اوکراین به اتحادیه اوراسیا، طرح احیای امپراتوری روسیه از طریق این اتحادیه را با چالش بزرگی مواجه خواهد کرد. پوتین به اشغال شبه جزیره کریمه و دخالت نظامی در قسمت‌هایی از اوکراین روی آورد تا زمینه‌های لازم برای اجبار این کشور به پیوستن به اتحادیه اوراسیا را فراهم آورد (علی حسینی و آئینه‌وند، ۱۳۹۴: ۱۵۱). بنابراین گسترش اتحادیه اروپا به شرق از عناصر کلیدی بحران اوکراین و الحاق کریمه به روسیه می‌باشد (Mearsheimer, 2014:10).

حساسیت خاص روس‌ها نسبت به اوکراین

کرملین با حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب شرق اوکراین و الحاق کریمه به فدراسیون روسیه نشان داد که اوکراین برای روسیه اهمیت حیاتی دارد و حاضر است به خاطر آن هزینه زیادی پرداخت نماید (De Maio, 2016:2) چرا در روسیه حساسیت خاصی نسبت به اوکراین وجود دارد و واکنش کرملین به ادغام کی‌یف در جوامع غربی این قدر شدید بود؟

الف) موقعیت ژئوپلیتیک اوکراین

روسیه بسط سلطه فرامرزی را تنها در چارچوب نظم جغرافیایی امکان‌پذیر می‌داند. تلقی پوتین از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان بزرگ‌ترین فاجعه ژئوپلیتیک قرن بیست (Krauthammer, 2014) بیانگر اهمیت ژئوپلیتیک در تدوین خط مشی سیاست خارجی کرملین می‌باشد. نگاه ژئوپلیتیک رهبران کرملین در تنظیم سیاست خارجی در کنار اهمیت ژئوپلیتیک اوکراین باعث شده است که اوکراین برای روس‌ها اهمیت استراتژیک داشته باشد. مسکو اوکراین را به عنوان عنصر کلیدی در طرح‌های ژئوپلیتیک خود می‌نگرد (Trenin, 2014:4). برای روسیه مفهوم ملت و قلمرو همیشه منطبق با مرزهای آن نبوده است، بلکه تا مرزهای خارج نزدیک امتداد داشته است (De Maio, 2016:6). اوکراین و بلاروس تنها دولت‌های حائل بین روسیه و اتحادیه اروپا می‌باشند. اوکراین عمق استراتژیک

روسیه است و به عنوان منطقه حائل در برابر مداخله نظامی غرب به روسیه از این کشور محافظت می‌کند (Tsygankov, 2015: 11 & De Maio, 2016: 6). از دید برژینسکی^۱ اهمیت ژئوپلیتیک اوکراین به عنوان دومین کشور بزرگ اروپایی به حدی است که بدون آن روسیه فقط یک قدرت آسیایی خواهد بود. اوکراین دروازه اصلی غرب به روسیه و برعکس می‌باشد. برژینسکی معتقد است با وجود اوکراین روسیه توان امپراطوری شدن در منطقه اوراسیا را بدست خواهد آورد. بدون حضور اوکراین ۴۵ میلیونی و شاهراه عبوری انرژی روسیه به غرب تلاش‌های روسیه فاقد نفوذ و تاثیر ژئوپلیتیک خواهد بود. اوکراین محل ترانزیت ۸۰ درصد گاز وارداتی اروپا از روسیه می‌باشد. موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک اوکراین طوری است که روسیه و غرب هر کدام به دنبال افزایش نفوذ خود و کاهش نفوذ طرف مقابل در این کشور می‌باشند.

ب) پیوندهای تاریخی و هویتی بین روسیه و اوکراین

از دید روس‌ها کی‌یف، مادر تمام شهرهای روسیه است. استقلال اوکراین از روسیه نه تنها برای سیاستمداران، بلکه برای مردم روسیه نیز چندان قابل پذیرش نبود. به همین خاطر در روسیه نه تنها حمایت قوی از انضمام کریمه وجود دارد، بلکه باور به تعلق اوکراین به مدار سیاسی و اقتصادی روسیه نیز قدرتمند است. اوکراین به لحاظ روانشناختی و تاریخی اهمیت زیادی دارد زیرا دو کشور دارای ریشه‌های تاریخی مشترک می‌باشند و روس‌ها معتقد هستند خون‌های زیادی داده‌اند تا کریمه و دیگر نقاط اوکراین در چارچوب امپراطوری بماند (Morelli, 2016: 14). کسینجر^۲، وزیر خارجه سابق آمریکا درباره اهمیت تاریخی اوکراین برای روس‌ها می‌نویسد؛ غرب باید بداند اوکراین برای روس‌ها فقط یک کشور همسایه نیست. تاریخ روس‌ها با چیزی که روس‌کی‌یفی نامیده می‌شود شروع شده و منشأ گسترش مذهب روسیه از کی‌یف بوده است. اوکراین برای قرن‌ها بخشی از روسیه بوده و تاریخ دو کشور به هم آمیخته است. بعضی از مهم‌ترین نبردهای روس‌ها بر سر خاک اوکراین بوده است (Kissinger, 2014). سخنان پوتین در ۱۸ مارس ۲۰۱۴ خطاب به هر دو مجلس قانون‌گذاری روسیه تأییدی بود بر برداشت‌های کسینجر در مورد رابطه اوکراین و

^۱. Brzezinski

^۲. Kissinger

فدراسیون روسیه: "ما صرفاً همسایگان نزدیک نیستیم، بلکه در واقع همان طور که بارها گفته‌ام، یک ملت هستیم ... که هر یک از ما بدون دیگری نمی‌تواند یک ملت باشد" (Gvosdev, 2014: 17).¹ ملت در سخنان پوتین به این مسئله که روس‌ها و مردم اوکراین از نژاد اسلاو می‌باشند، اشاره دارد. روس‌ها آنهایی را که خون اسلاو در رگ‌هایشان جاری است را در حکم یک ملت متحد و یکپارچه با خود می‌دانند. الکساندر دوگین^۱ از اندیشمندان معروف روسی، مخالف پراکنده شدن اقوام اسلاو در مرزهای مخالف می‌باشد. وی ضمن مخالف با مرزهای تصنعی فعلی خواهان تشکیل امپراطوری روس در حوزه اوراسیا می‌باشد. نژاد، ملت، خون، جغرافیا و دولت مقدس روس – اسلاو "گوشت و خون" این امپراطوی می‌باشند (علی حسینی و آئینه‌وند، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

ترس از سرریز شدن تحولات اوکراین

بر اساس دیدگاه لیدا آکوس^۲ هویت مشترک و مشابهت‌های فرهنگی زمانی که تفاوت در نهادی سیاسی داخلی وجود داشته باشد، می‌تواند موجب جنگ گردد. کشورهای که نهادهای سیاسی و دموکراتیک را توسعه می‌دهد، می‌تواند مورد تجاوز قرار گیرد (Lada, 2015:51). کشور برادری که نهادهای دموکراتیک را توسعه داده است می‌تواند، منبع تهدید باشد. کشور دیگر از طریق تبلیغات منفی و یا حمله نظامی درصدد رفع تهدید برمی‌آید. در واقع، روسیه نمی‌تواند اوکراین را با حاکمیتی مستقل و با فرهنگ سیاسی دموکراتیک و پیشرفته در امتداد مرزهای غربی خود قبول کند (Shelest, 2015:192). رویکرد سیاست خارجی روسیه در رابطه با همسایگان آن، ایجاد و حمایت از رژیم‌هایی است که مشابه رژیم کرملین باشند. حاکمان کرملین شکل‌گیری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و حتی مرفه‌تر از روسیه در مجاورت مرزهای خود را نمی‌توانند تحمل نمایند (Sonnleitner, 2016:82). بحران اخیر در روابط کی‌یف-مسکو در این چارچوب قابل تحلیل است. یکی از نگرانی‌های اصلی کرملین ناشی از این است که تحولات اوکراین بتواند نه تنها به دیگر جمهوری‌های خارج نزدیک، بلکه حتی به داخل خود فدراسیون روسیه نیز سرایت نماید. گسترش الگوی دموکراتیک کشورداری در امتداد مرزهای روسیه می‌تواند تهدیدکننده ثبات و امنیت رژیم مسکو تلقی

¹. Aleksander Dugin

².Lada Akos

شود (De Maio, 2016: 8). مسئله مهم برای روس‌ها ظرفیت شکل‌گیری جوامع دموکراتیک و تکثرگرا در امتداد مرزهای آن و عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا می‌باشد. چنین جوامعی علاوه بر تهدید دامنه نفوذ روسیه در خارج از مرزهای خود می‌تواند، جرقه مخالفت اقشار متوسط را در درون مرزهای خود موجب شود (Ziegler, 2010: 157). در صورت وجود اوکراین مرفه و دموکراتیک در مجاورت روسیه، مردم در پی پاسخ به این سوال خواهند بود که چرا روسیه آزاد و مرفه نیست. همچنین عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا می‌تواند، باعث تشویق دیگر کشورهای حوزه خارج نزدیک به عضویت در این نهاد غربی شود. "عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا نه تنها تلاش‌های روسیه برای به کنترل درآوردن اوکراین را ناکام خواهد گذاشت بلکه این خطر وجود خواهد داشت که با انجام رفرم‌های مورد نظر اتحادیه اروپا، کی‌یف نقش الگو را برای دیگر کشورهای بخش اروپایی روسیه بازی خواهد کرد و مشروعیت حکومت پوتین را به خطر خواهد انداخت" (Menkiszak, 2016: 4). کرملین اتحادیه اروپا و ناتو را نهادی می‌بیند که نه تنها منافع، بلکه حیات این رژیم را نیز تهدید می‌نماید (Cornell, 2016: 100 & Kalb, 2015: xii). پوتین معتقد است، آمریکا به دنبال تغییر سیستم سیاسی روسیه می‌باشد (Dibb, 2016: 7).

شرق اوکراین حائل جدید بین روسیه و غرب

الحاق کریمه، روس‌زبانان شرق اوکراین را به جدایی‌طلبی ترغیب نمود زیرا آنها بر این باور بودند که روسیه سناریو مشابه کریمه را در شرق اوکراین اجرا خواهد کرد. شورشیان شرق اوکراین در ۲۰۱۴ با تظاهرات خیابانی، پایین آوردن پرچم اوکراین و نصب پرچم روسیه و تصرف مراکز دولتی تمایل خود برای الحاق به فدراسیون روسیه را به نمایش گذاشتند. اقدامات جدایی‌طلبان آتش جنگ بین دولت اوکراین و جدایی‌طلبان مورد حمایت روسیه و در نهایت تصرف مناطقی در شرق اوکراین را در پی داشت. اما مناطق شرق اوکراین تفاوت‌هایی با کریمه داشت. نخست اینکه نسبت به کریمه درصد جمعیت روس آن کمتر بود. همچنین مناطق شرقی به طور قانونی و از سال ۱۹۱۹ جزئی از اوکراین بودند. دولت اوکراین روسیه را حمایت شورشیان شرق این کشور متهم نمود و اعلام کرد نفرات نظامی و تجهیزات روسی در این شورش‌ها به جدایی‌طلبان امکان مقاومت در برابر ارتش اوکراین را داده‌اند. ولی آنچه محرز است این می‌باشد که واحدهای نظامی کامل روسی برخلاف کریمه در نبردهای

شرق اوکراین حضور نداشتند. سرانجام در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ و در مینسک^۱ توافقنامه‌ای با حضور نمایندگانی از روسیه، اوکراین، فرانسه و آلمان امضای گردید و در آن بر راه حل سیاسی بحران تاکید شد. هدف روسیه از تحریک جدایی‌طلبان شرق اوکراین ایجاد مناطق فدرال در شرق این کشور است. مناطقی فدرالی که به لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در روابط نزدیک با کرملین باشند. همچنین این اختیار را داشته باشند که در تصمیمات مهم کی‌یف تاثیرگذار باشند. به طوری که در حالت ایده‌آل مانع عضویت اوکراین در ناتو شوند و یا حداقل این مناطق از دایره نفوذ و حضور ناتو به دور باشند. نظام فدارل مورد نظر کرملین که برای جلوگیری از عضویت کل اوکراین و یا مناطق شرقی این کشور در ناتو می‌باشد در واقع، هدف ایجاد منطقه حائل بین ناتو و روسیه جهت حفاظت از روسیه را به نمایش می‌گذارد (Bebler, 2015b: 213).

جنبش یورو میدان: عزم اوکراین، مداخله غرب و واکنش روسیه

با تعلیق توافق‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا از طرف ویکتور یانکوویچ اعتراضات خیابانی در کی‌یف و در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ شروع گردید. نخست‌وزیر اوکراین می‌کولا آزاروف^۲ ادعا نمود، تصمیم بر علیه توافق‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا برای تامین امنیت ملی اوکراین اتخاذ شده است. تداوم اعتراض‌های مخالفین منجر به شکست یانکوویچ و فرار وی به روسیه در فوریه ۲۰۱۴ گردید. باور یورو میدان^۳ در مقابل عقیده اوراسیایی یا تمدن ارتدکس-اسلاو شرقی که توسط کرملین حمایت می‌شد، قرار می‌گرفت. تحولات "یورو میدان" کرملین را متوجه این واقعیت نمود که کی‌یف در صدد جایگزینی هویت روسی با هویت و ارزش‌های تمدنی اروپایی است و روح اسلاو در اوکراین در حال نابودی است (Kalb, 2015: xii). اقدامات انقلابیون، روسیه را به این نتیجه رساند که کی‌یف پیوندهای تاریخی و فرهنگی خود با روسیه از هم خواهد گسست (Tsygankov, 2015: 293). مسکو تلاش‌های دولت موقت را در راستای ضربه زدن به پیوندهای تاریخی، زبانی و فرهنگی دو کشور می‌دانست (Averre, 2016: 5). چه واکنشی می‌توان انجام داد؟ پاسخ پوتین اشغال کریمه بود. کرملین حاکمان جدید

¹. Minsk

². Mykola Azarov

³. Euromaidan

اوکراین را ملی‌گرایان افراطی می‌نامید و هدف مداخله روسیه در کریمه را نیز حمایت از روس‌تبارهای جزیره در مقابل این ملی‌گرایان افراطی می‌دانست (Averre, 2016:5). پس از سقوط یانکوویچ فرایند روس‌زدایی و حرکت به سوی غرب در اوکراین شتاب بیش‌تری یافت. به عنوان نمونه تعداد مدارس روس‌زبان کاهش چشم‌گیری یافت و تنها افرادی حق ثبت‌نام داشتند که یکی از والدین آنها روس بود (Fournier, 2012:5). لغو قانون سال ۲۰۱۲ که زبان روسی را یک زبان محلی در نظر می‌گرفت، تشکیل حکومت جدید با حضور شخصیت‌های ملی‌گرا و مصوبه دوما برای ایجاد محدودیت بر مطبوعات و رسانه‌های روسی زبان نشان دادند، نگرانی‌های روسیه چندان هم بی‌مورد نبوده است. از دید روسیه، تغییرات انقلابی در اوکراین باعث خواهد شد روسیه مهم‌ترین پایگاه نظامی خود در کریمه را که از طریق آن حضور خود را در دریای سیاه و مدیترانه تثبیت می‌نمود از دست بدهد (Mark Devis, 2016:179). پوتین معتقد بود، رهبران انقلابی طرحی برای اشغال پایگاه دریایی سواستوپل، تنها بندر آب گرم روسیه را دارند (Kalb, 2015: xii). لذا با انضمام کریمه توازن قوا را در منطقه دریای سیاه به نفع خود تغییر داد و موجب شد روسیه جای پای محکمی در منطقه داشته باشد. کرملین حکومت موقت را حکومتی می‌نامید که حقوق اقلیت روس‌تبار اوکراین و کریمه را با برنامه‌های افراطی تهدید می‌کرد و کرملین این حق را برای خود محفوظ می‌دانست که از منافع خود و روس‌زبانان کریمه حمایت کند (Larrabee&Flanagan, 2016).

غرب و در راس آن آمریکا به وضوح از جنبش یورو میدان حمایت کردند. ویکتوریا نولاند^۱، معاون وزیر خارجه آمریکا و سناتور جان مک‌کین^۲ در تظاهرات ضددولتی شرکت کردند و جفری پایت^۳، سفیر آمریکا در کی‌یف پس از سرنگونی یانکوویچ آن را یک روز تاریخی برای درج در کتب تاریخ نامید. اتحادیه اروپا ضمن حمایت از تظاهرات‌کنندگان وعده حمایت سیاسی و مالی از دولت موقت را داد (Averre, 2016:4). میر شایمر در تبیین رفتار روسیه در بحران اوکراین معتقد است، "موقعیت اوکراین به عنوان منطقه حائل برای روسیه از اهمیتی حیاتی برخوردار

¹. Victoria Noland

². John McCain

³. Jeffrey Pyatt

است. بر این اساس تلاش غرب برای روی کار آوردن حکومتی غرب‌گرا و ضدروس در کی‌یف غیر قابل‌تحمل است" (Mearsheimer, 2014: 10).

در سند راهبرد امنیت ملی روسیه منتشر شده در دسامبر ۲۰۱۵ حمایت آمریکا و اتحادیه اروپا از جنبش یورو میدان به عنوان عامل ایجاد کننده شکاف داخلی و درگیری مسلحانه در اوکراین توصیف شده است که ضمن بازنمایی روسیه به عنوان دشمن مردم اوکراین هدف بی‌ثباتی در مرزهای روسیه را دنبال می‌کند (Russia's National Security Strategy Approved, 2015). پیامد پیروزی مخالفین تجاوز نیروهای روسی به کریمه در اوایل مارس و به دنبال آن برگزاری رفراندوم بود که به الحاق کریمه به روسیه منجر گردید. پس از برگزاری رفراندوم، کی‌یف تلاش نمود در عرصه بین‌المللی و جاهت حقوقی اقدام روسیه را زیر سوال ببرد. در ۱۵ مارس ۲۰۱۴ روسیه پیش‌نویس قطع‌نامه بی‌اعتبار بودن رفراندوم در کریمه وتو نمود. در پی این اقدام مسکو مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۷ مارس ۲۰۱۴ با تصویب قطع‌نامه پیشنهادی اوکراین همه‌پرسی کریمه و پیوستن آن به فدراسیون روسیه را غیرقانونی خواند (Security Council Report, 2015:6). رهبران هفت کشور بزرگ صنعتی عضویت روسیه در گروه هشت را به حال تعلیق درآوردند. کانادا، آمریکا و اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه روسیه تصویب کردند که به‌عنوان شدیدترین تحریم‌ها علیه این کشور از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاکنون شناخته می‌شوند.

نتیجه‌گیری

برخی از اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل بر این باور هستند که روسیه فقط به یک کشور همسایه تجاوز نکرده است بلکه ترتیبات حاکم بر نظام بین‌الملل را نیز که بعد از سال ۱۹۹۱ به وجود آمده بود مختل کرده است. البته هزینه اقدامات خود یعنی تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی را نیز متقبل شده است. چه توجیهی برای رفتارهای کرملین نه تنها در اوکراین بلکه در دیگر کشورهای خارج نزدیک مانند گرجستان می‌توان یافت. برای تحلیل اقدامات کرملین می‌توان از منطق ناامنی تاریخی روس‌ها بهره گرفت. براساس این منطق روس‌ها اقدامات خود در حوزه اوراسیا را دارای ماهیت تدافعی عنوان می‌کنند. وقایع تاریخی نقش تعیینی کننده‌ای در شکل دادن به حس ناامنی تاریخی در میان روس‌ها داشته است. ذهنیت تاریخی تأثیر فراوانی در

محتوا بخشیدن به هویت ملی و جهت دادن به سیاست خارجی روسیه دارد. غرب نیز به نوبه خود با الحاق اقتصادی و نظامی مناطقی که طی تاریخ بخشی از امپراطوری روسیه بودند برداشت‌های تهدیدآمیز روس‌ها از تحولات مناطق پیرامونی را تشدید نموده است.

حفظ و احیا قدرت روسیه و تبدیل آن به بازیگر نظام بین‌الملل مستلزم وجود ترتیبات منطقه‌ای تحت رهبری روسیه است. از دید روسیه غرب با حمایت از روندهای واگرا قصد دارد اقتدار منطقه‌ای روسیه را به چالش بکشد. روندهای واگرا در حوزه خارج نزدیک و حمایت دولت‌های غربی و در راس آنها آمریکا از این روندها از طریق گسترش اتحادیه اروپا و ناتو را می‌توان از موانع اصلی حفظ قدرت کرملین در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق دانست. لذا کرملین در پی دور کردن تهدید غرب از مرزهایش به دو طریق بازداشتن کشورهای حوزه خارج نزدیک از توسعه رابطه با ناتو و اتحادیه اروپا و رقابت با غرب در مناطقی دور از مرزهایش می‌باشد. اقدامات نظامی کرملین در کریمه و شرق اوکراین هدف بی‌ثبات نمودن دولت موقت و بازداشتن آن از ادغام در غرب را پی‌گیری می‌نمود. در این بین ایده تعلق اوکراین به دنیای روس نیز توجیه لازم برای مداخله روسیه را فراهم نمود. روسیه همچنین به دیگر کشورهای حوزه خارج نزدیک این پیام را داد که حرکت به سوی نهادهای اروپایی می‌تواند برای آنها هزینه‌بر باشد. روسیه نمی‌خواهد، تلاش‌های اوکراین برای دور شدن از مدار کرملین‌الگویی برای دیگر کشورهای منطقه خارج نزدیک باشد. کرملین با اقدامات هرچند کریمه را به دست آورد ولی با تشدید احساسات ضدروسی و گسترش حمایت عمومی از ناتو اوکراین را از دست داد و به ترس همسایگان از روسیه نیز دامن زد. از طرف دیگر درگیر شدن روسیه در بحران‌های فرامنطقه‌ای نظیر بحران‌های موجود در خاورمیانه و جنگ داخلی سوریه نیز بازتاب دهنده تلاش پوتین برای دور کردن جبهه منازعه با غرب از مرزهای روسیه و کشاندن میدان رقابت به مناطق دورتر از قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق است.

تحولات اخیر اوکراین و جنگ ۲۰۰۸ گرجستان و روسیه نشان دادند که روسیه هنوز در بسیاری از جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی سابق از ابزارهای اعمال قدرت قابل توجهی برخوردار است و رهبران غرب‌گرای برخی از این جمهوری‌ها نباید به امید حمایت غرب نفوذ منطقه‌ای روسیه را به چالش بکشند.

منابع و مآخذ

- دهشیار، حسین (۱۳۹۳)، "سیاست خارجی روسیه در قبال اوکراین: گریز ناپزیری بحران"، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره اول.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۳)، "گسل‌های داخلی، تنیدگی‌های تاریخی، منطق ژئوپلیتیک قدرت و رویایی برای شبه جزیره کریمه"، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۹.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال و مرادی، منوچهر (۱۳۹۵)، "تهدید غرب، برداشت روسیه و بحران اوکراین"، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره دوم.
- زیبا کلام، صادق و دیگران (۱۳۹۴)، "تبیین سقوط دولت یانکوویچ در اوکراین"، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۲.
- علی حسینی، علی و آئینه‌وند، حسن (۱۳۹۴)، "تجزیه و تحلیل تاثیر اندیشه نئو اوراسیاگرایی بر سیاست خارجی روسیه در بحران اوکراین ۲۰۱۴"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۲.

-Antonovych, Myroslava(2015), "Legal Accountability for the Holodomor-Genocide of 1932-1933 (Great Famine) in Ukraine", *Kyiv-Mohyla Law and Politics Journal*, Vol.13, No.1.

-Ambrosio, Thomas (2016), "The Rhetoric of Irredentism: The Russian Federation's Perception Management Campaign and the Annexation of Crimea", *Small Wars & Insurgencies*, Vol. 27, No.3.

-Antonenko, Oksana (2010), "Russia in 2030: A More Attractive Partner for the EU?", *Europe 2030*, the Brooking Institute Publication.

-Averre, Derek (2016), " The EU and Russia: Managing the New Security Environment in the Wider Europe", *European Policy Analysis*, Swedish Institute for European Policy Studies, April, at: http://www.sieps.se/sites/default/files/2016_5_epa_eng_0.pdf, Accessed on: 13 October 2016.

-Bebler, Anton (2015a), "Crimea and the Russian-Ukrainian Conflict", *Romanian Journal of European Affairs*, Vol.15, No.1.

-Bebler, Anton (2015b), the russian-ukrainian conflict over crimea , at: www.dlib.si/stream/URN:NBN:SI:DOC-EF319ZSW/...af2c.../PDF, Accessed on: 13 October 2016.

-Bock, Andreas M. and Ingo, Henneberg (2013), Why Balancing Fails? Working Papers on International Politics and Foreign Policy, at: http://www.jaeger.unikoeln.de/fileadmin/templates/publikationen/AIPA2_2013.pdf, Accessed on: 13 October 2015.

- Cornell, Svante E. (2016), "The Fallacy of Compartmentalisation: the West and Russia from Ukraine to Syria", *European View*, Vol.15, No1.
- Davis, Ian (2014), "Tit-for-tat Escalation: in the Crimea Crisis where will it end?", NATO Watch, *Briefing Paper*, No.46. at: http://www.natowatch.org/sites/default/files/briefing_paper_no.46_the_ukraine_crisis.pdf, Accessed on: 2015/06/22.
- De Maio, Giovanna (2016), "Russia's View of Ukraine after the Crisis", *Instituto Affari Internazionali*, Working Papers, Vol.16, No.4.
- Dibb, Paul (2016), Why Russia is a Threat to the International Order, Australian Strategic Policy Institute.
- Dragneva, Rilka & Wolczuk, Kataryna (2016), "Between Dependence and Integration: Ukraine's Relations with Russia", *Europe-Asia Studies*, Vol. 68, No. 4.
- Felgenhauer, Pavel (2014), "Putin: Ukraine is a Battlefield for the New World Order", *Eurasia Daily Monitor*, Vol.11, No.121.
- Fisher, Max (2014), This is the One Map You Need to Understand Ukraine's Crisis, *Washington Post*, 24 January.
- Fournier, Anna (2012), *Foreign Rights in a New Democracy: Ukrainian Students between Freedom and Justice*, Philadelphia, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- Girgin, Dogan (2016), "Geopolitical Issues in the Current Crisis between Ukraine and Russia", *Journal of Social Sciences*, Vol. 4, No.1.
- Gvosdev, Nikolas K. (2014), "Ukraine's Ancient Hatreds", *The National Interest*, No.132, July/August.
- Kalb, Marvin (2015), *Imperial Gamble: Putin, Ukraine, and the New Cold War*, the Brookings Institution.
- Kissinger, Henry (2014), "To Settle the Ukraine Crisis, Start at the End", *The Washington Post*. at: http://www.washingtonpost.com/opinions/henry-kissinger-to-settle-the-ukrainecrisis-start-at-the-end/2014/03/05/46dad868-a496-11e3-8466-d34c451760b9_story.html, (Accessed on: 2015/1/3).
- Krauthammer, Charlese (2014), Putin's Ukraine Gambit, at: <http://www.nationalreivi.com/article/372204/putins-ukraine-gambit-charles-kravthammer>, (Accessed on: 2016/6/3).
- Lada, Akos (2015), *The Clash of Brothers: Wars to Avoid Diffusion in a Contagious World*, Doctoral dissertation, Harvard University.
- Larrabee, Stephen & Flanagan, Stephen J. (2016), The Growing Importance of Black Sea Security, RAND Corporation, July 11.
- Marcel H. Van Herpen (2014), *Putin's Wars: The Rise of Russia's New Imperialism*, Rowman & Littlefield, Lanham.

- Mark Davis, Christopher (2016), "The Ukraine Conflict, Economic Military Power Balances and Economic Sanctions", *Post-Communist Economies*, Vol.28, No.2.
- Mearsheimer, John (2014), "Why the Ukraine Crisis Is the West's Fault", *Foreign Affairs*, September/October, at: <http://www.foreignaffairs.com/articles/141769/john-h-mearshimer/why-the-ukraine-crisis-is-the-west-s-fault>, (Accessed on: 2015/1/3).
- Menkiszak, Marek (2016), Russia's Long War on Ukraine, Transatlantic Academy Paper Series, February, at: http://www.transatlanticacademy.org/sites/default/files/publications/Menkiszak_RussiasLongWar_Feb16_web.pdf, Accessed on: 2016/11/3.
- Mizrokhy, Elena (2009), *Russian Separatism in Crimea and NATO: Ukraine Big Hope, Russia Grand Gamble*, Laval University, Quebec city.
- Moravcsik, Andrew(2016), "Lessons from Ukrain: Why a Europe-Led-Geo-economic Strategy is Succeeding", Transatlantic Academy Paper Series, No.10.
- Morelli, Vincent (2016), *Ukraine: Current Issues and U.S. Policy*, Congressional Research Service.
- NTI (2014), Available at: <http://www.nti.org/gsn/article/russia-nuclear-force-drill-saying-long-scheduled/?mgs1=b102fhyg7a>, (Accessed on: 2015/06/22).
- Razumkov Center (2008), Specificity of Socio-Cultural and Civil Identity of the Dominant Ethnic Group in Crimea, at: www.razumkov.org.ua/eng/files/..NSD104_eng_1.pdf, Accessed on: 2015/06/22.
- Russia's National Security Strategy Approved* (2015), December 31, at: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/51129>, (Accessed on: 2016/06/22).
- Security Council Report*(2015), Research Report, No.3, 19 October, at: <http://SecurityCouncilReport.org>, Accessed on: 2015/06/22.
- Shelest, Hanna (2015), "After the Ukrainian crisis: Is there a Place for Russia?", *Southeast European and Black Sea Studies*, Vol.15, No.2.
- Smith, Jack (2014), "What Reality Happened in Ukraine?" *Foreign Policy Journal*, 31 March, at: <http://www.foreignpolicyjournal.com/2014/03/31/what-really-happened-in-Ukraine/>, Accessed on: 2016/06/22.
- Smith, Ben and Mills, Claire (2014), "Ukraine: Towards a Frozen Conflict?", International Affairs and Defense Section. at: <http://www.parliament.uk/business/publications/research/briefingpapers/SN06978/ukraine-towards-a-frozen-conflict>, Accessed on: 2016/08/09.
- Sonnleitner, Dominik (2016), "Russia's Backyard – Unresolved Conflicts in the Caucasus", *Politics in Central Europe*, Vol. 12, No. 1.

- Trenin, Dmitri (2014), the Ukraine Crisis and the Resumption of Great-Power Rivalry, *Carnegie Moscow Center*, July.-The Moscow times (2014), Save Ukraine, at: <http://www.themoscowtimes.com/opinion/article/save-Ukraine/496444.html>, Accessed on: 2016/06/22.
- Treisman, Daniel (2016), Why Putin Took Crimea, *Foreign Affairs*, June.
- Tsygankov, Andrei (2015), "Vladimir Putin's last Stand: the Sources of Russia's Ukraine Policy", *Post-Soviet Affairs*, Vol.31, No.4.
- Walt, Stephen (1987), *the Origins of Alliances*, Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Walt, Stephen (2005), *Taming American Power: The global Response to US Primacy*, New York.
- Walt, Stephen (2014), No Contest, *Foreign Policy*, 3 March, at: http://www.foreignpolicy.com/articles/2014/03/03/no_contest_ukrine_obama_putin Accessed on: 2015/06/22.
- Woehrel, Steven (2014), Ukraine: Current Issues and U.S Policy, *Congressional Research Service*, at: <https://www.fas.org/sgp/crs/row/RL33460.pdf>, Accessed on: 2016/06/17.
- Ziegler, Charles (2010), "Aims and Means in Russian Foreign Policy", in: Roger E. Kanet(ed), *Russian Foreign Policy in the 21st Century*, New York: Palgrave Macmillan.